

تحلیلی بر احساس تعلق مردم به جامعه در حال تغییر ایران و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)

جواد صادقی جعفری، * بهجت یزدخواستی، **

مصطفی اجتهادی ***

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش ۹۸/۰۳/۱۵)

چکیده: موضوع این مقاله سنجش میزان احساس تعلق به جامعه ایران و عوامل مؤثر بر آن است. تعلق اجتماعی در دو بعد تعلق عاطفی و تعلق عملی تعریف و با بهره‌گیری از روش پیمایش و استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته در طیف لیکرت و تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق ۲۲ گانه تهران، ۱۰۱۶ پرسش‌نامه صحیح از ساکنین ۱۸ تا ۶۵ سال به‌دست آمد. یافته‌ها نشان داد که تعلق به جامعه ایران در سطح متوسط قرار دارد و متغیرهای تعلق دینی، اعتماد اجتماعی، خردگرایی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان احساس تعلق رابطه دارد. همچنین متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات، سن، وضع تأهل، با متغیر وابسته رابطه دارد. مدل‌های رگرسیونی چندگانه نشان داد که مجموع متغیرهای مزبور ۰/۳۲۵ تغییرات تعلق عاطفی و ۰/۳۲۱ تغییرات تعلق عملی را تبیین می‌کند. خردگرایی و تعلق دینی الگوهای متفاوتی را از تأثیر بر ابعاد تعلق اجتماعی نشان داد. **مفاهیم اصلی:** اعتماد اجتماعی، تعلق دینی، تعلق اجتماعی، تعلق عاطفی، تعلق عملی، خردگرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*. مربی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه سوره تهران (نویسنده مسئول) sadeqi.jafari@gmail.com
**. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان zahra.beyramzadegan@gmail.com
***. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی m-edjtehadi@sbu.ac.ir

مجله جامعه‌شناسی ایران، نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۳ - ۲۶

مقدمه و طرح مسئله

شکل‌گیری، استمرار و دوام جامعه به‌جز پیش‌نیازهای کارکردی مربوط به شرایط بقاء، به‌پیش‌نیازهای بُعد نرم، یعنی نظام فرهنگی، ارزش‌های مشترک و احساس تعلق اجتماعی نیز نیازمند است. به سخن دیگر، جامعه صرفاً سازمانی شراکتی برای رسیدن به امیال غیرقابل‌دست‌رسی فردی یا به عبارت دیگر جمع افراد پی‌گیر مقاصد شخصی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از کنش‌گران است که در یک نظام ارزشی کم‌وبیش مشترک، نمادهای مورد اقبال و احترام عام، شعائر مشترک و حداقلی از اصول قابل‌توافق، تعامل مستمر نمادین داشته و نسبت به "کل" غلظه و علاقه پیوسته و پایداری را ایجاد می‌کنند و سرنوشت و سعادت‌مندی فردی خویش را به وضعیت کل متصل می‌دانند و حس "ما" بودن در آن‌ها شکل می‌گیرد. از این نگاه، جامعه، کانونی از وابستگی‌های هویت‌بخش و تعلق اجتماعی، توسعه وابستگی هویت‌آفرین به‌دیگران است. ادموند بُرک اظهار داشته است که یک جامعه که به‌خوبی نظم یافته، باید یک شراکت در نظر گرفته شود، یک شراکت در همه علوم، یک شراکت در همه هنرها، یک شراکت در همه فضیلت‌ها و در همه کمالات (به نقل از پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۰۲). از همین رو و از آنجاکه نمادهای مشترک عملکردهای مهمی را در ایجاد و حفظ احساس تعلق اجتماعی فراهم می‌کنند (مک میلان و چیویس، ۱۹۸۶: ۹)؛ جوامع سعی دارند مردم را به‌ویژه در مواقع جنگ و بحران نسبت به جامعه از طریق نمادهای ملی و شعائر متصل کنند (شارون، ۱۳۸۵: ۹۵).

خاصه آن‌که در جوامع مدرن با خصیصه‌هایی چون: تأکید بر حقوق، آزادی‌ها و دموکراسی، به‌جای اطاعت، سلسه مراتب، وابستگی و حتی فداکاری (تیلور، ۲۰۰۷: ۴۱۴)، ارجاع به‌ضرورت به‌حداکثر رساندن بی‌طرفی دولت، میان برداشت‌های رقیب از خیر و توصیف انسان به‌مثابه "خود" از پیش تعیین یافته (راولز، ۱۳۸۳) و سخت شدن توافق بر سر فضیلت اخلاقی به‌واسطه تعدد نظام‌های اخلاقی (مک اینتایر، ۱۳۹۳: ۴۰۹)، تشکیل جوامع چند فرهنگی و شکل‌گیری هویت چندگانه برای فرد؛ و وجود زمینه‌های چرخش فردگرایی اخلاقی و آزادی منضبط به خودمداری، موضوع پیوند فرد به‌کل را مسئله شایسته دقت و بررسی می‌نمایاند.

جامعه در حال تغییر ایران نیز واجد برخی از ویژگی‌های فوق به همراه شرایط نسبتاً پیچیده دیگر است. شرایط آنومیک شدید (چلپی، ۱۳۷۵، رفیع پور، ۱۳۷۸)، کژمدرنی و مسئله مربوط به گذر نامتعارف از سنت (جلالی پور، ۱۳۹۲)، فقدان دورنگری (کاتوزیان، ۱۳۹۰)، اقتدارگرایی (قندچی تهرانی، ۱۳۷۹)، خودمداری (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸)، پیچیدگی‌های اخلاقی (فراستخواه، ۱۳۹۵) بی‌اعتمادی و قانون‌گریزی (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۸)، انحصارگرایی برخی گروه‌های اجتماعی، رشد کمی تعارضات اجتماعی و خشونت‌گرایی، تمایل و رشد مهاجرت به خارج، مؤلفه‌ها، معرف‌ها و عوامل سست شدن

پیوندهای اجتماعی و مسئله‌مندی تعلق اجتماعی است. مضافاً آن‌که پدیده‌هایی چون گسترش آموزش عالی، رشد کمی کاربران شبکه‌های مجازی، تغییرات مربوط به خانواده، تأمل‌گرایی در معرفت دینی و تفاوت‌های نسلی به تغییرات فرهنگی و اجتماعی سرعت بیشتری داده است. با وجود این شرایط پرداختن به مسئله تعلق اجتماعی و احساس وفاداری به جامعه از ابعاد متفاوتی ضرورت دارد. مشارکت، فعال‌گرایی و درگیر^۱ شدن افراد و ایجاد همدلی عمیق، فکورانه، آگاهانه و مستمر، ناشی از رشد احساس تعلق به جامعه، هزینه اجرای برنامه‌های توسعه و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی را کاهش می‌دهد. همچنین قانون مداری و استحکام حقوق عمومی و خصوصی نیز از طریق افزایش حس تعلق اجتماعی رشد می‌کند. در این رابطه می‌توان به سطح نظم اخلاقی جامعه نیز اشاره کرد؛ اصولاً آن‌چه موجب وفاداری به ساختارهای اخلاقی جامعه می‌شود حس وفاداری و تعلق اجتماعی است. به سخن دیگر افراد، زمانی که به کلیت بزرگ‌تری (جامعه) احساس تعلق نمایند بیشتر تمایل خواهند داشت که در چارچوب‌های اخلاقی عمل کنند. ضرورت موضوع، زمانی برجستگی خود را بیشتر نشان می‌دهد که به تشدید تکرر در جامعه امروز ایران و تهدیدها و فرصت‌های تنوع قومی، زبانی، دینی و سبک‌های زندگی توجه کنیم.

تعلق اجتماعی به‌عنوان یک نیاز روانی اساسی برای فرد نیز مطرح شده است. زیمل ضمن اشاره به نیاز روانی افراد به تعلق‌های گروهی معتقد است تعلق به گروه و عضو گروه بودن برای افراد احساس امنیت روانی ایجاد می‌کند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۵: ۴۴). بامیستر و لری^۲ با نقد نظر فروید و رفتارگرایان، تأکید می‌کنند که انسان موجودی است که به‌صورت طبیعی به سمت ایجاد و حفظ تعلق هدایت می‌شود. آن‌ها می‌گویند نیاز به تعلق یعنی نیاز به تشکیل و حفظ حداقلی از روابط بین فردی به‌طور ذاتی در بین انسان‌ها وجود دارد (۱۹۹۵: ۴۹۹). تعلق اجتماعی مهم‌ترین عنصر هویت ساز است.

بدین‌سان، موضوع اصلی این نوشتار سنجش وضعیت احساس تعلق به جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. پرسش اصلی مقاله این است که در حال حاضر وضعیت احساس تعلق به جامعه ایران (در مردم شهر تهران) چگونه است؟ و عوامل مرتبط با تعلق اجتماعی چه میزان بر آن مؤثرند؟

مطالعات پیشین

درباره تعلق اجتماعی در ایران، پژوهش‌های تجربی به‌ویژه در سطح تعلق به جامعه ایران (سطح کلان) معدودند.

1. involvement
2. Baumeister & Leary

بیدل و محمود زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی به روش پیمایش و با نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر در شهر مشهد رابطه میان تعلق به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد و فردگرایی را سنجیده‌اند. محققین به این نتیجه رسیده‌اند که نمره تعلق اجتماعی مردم شهر مشهد ۲/۷ از ۵ است و نتیجه گرفته‌اند که سطح تعلق اجتماعی در سطح متوسط است و شدیدترین رابطه را با اعتماد اجتماعی دارد (ضریب پیرسون ۰/۶۰) و با فردگرایی رابطه منفی ۰/۱۸- برقرار است.

مبارکی و صلاحی (۱۳۹۱) در پژوهش در منطقه ۱۰ شهرداری تهران با نمونه ۱۵۰ نفر از ساکنین بالای ۱۸ سال، رابطه میان کیفیت خدمات شهری و تعهدات شهروندی را با حس تعلق اجتماعی بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که عملکرد شهرداری و تعهدات شهروندی رابطه مثبت و معنی‌داری با تعلق اجتماعی دارد، به عبارت دیگر حس تعلق اجتماعی تحت تأثیر عواملی مانند تعهدات شهروندی و کیفیت خدمات شهری قرار دارد.

بهشتی و حقمرادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی، با استفاده از داده‌های ۲۶۶۷ نفر افراد بالای ۱۶ سال مربوط به موج پنجم ارزش‌های جهانی، میزان احساس تعلق در میان اقوام ایرانی را بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که مجموع تمامی اقوام، احساس تعلق زیادی به ایران دارند و آنچه در برخی اقوام نظیر اعراب و کردهای اهل تسنن میزان این تعلق را کاهش می‌دهد، احساس نابرابری و مشارکت کم آن‌ها در قدرت سیاسی و نیز سهم نامناسب آن‌ها از توسعه‌یافتگی در مقایسه با سایر اقوام است.

لزلی اس لاکزکو^۱ (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "احساس وابستگی ملی و منطقه‌ای در نظام متغیر جهانی: شواهدی مبتنی بر پیمایشی جهانی" بر اساس داده‌های مستخرج از برنامه بین‌المللی پیمایش اجتماعی (ISSP) در ۲۴ کشور در سال ۱۹۹۵ به موضوع تعلق اجتماعی پرداخته است. محقق به این نتیجه رسیده است که احساس وابستگی به جامعه از مهم‌ترین اجزا شکل‌دهنده هویت در جهان مدرن است که دارای سطوح مختلفی از سطح منطقه‌ای تا سطح ملی است؛ اما با ظهور مسئله جهانی‌شدن، سطح وابستگی ملی در جوامع کمرنگ‌تر شده است.

چایون لیم و رابرت پوتنام^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان مذهب، شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی با فرض بر وجود شواهدی مبنی بر وجود نقش مذهب در ایجاد رضایت از زندگی در افراد سعی کرده‌اند علت این رابطه را درک کنند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این واقعیت بود که افراد مذهبی به خاطر حضور مداوم در مراسم و گردهمایی‌های مذهبی تشکیل یک شبکه اجتماعی داده که حس تعلق اجتماعی را در آن‌ها بالا برده و به همین واسطه احساس رضایت از زندگی در آن‌ها بیشتر می‌شود.

1. Leslie S Laczko
2. Chaeyoon Lim & Robert Putnam

ساموئل استروپ^۱ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان "نقش فرهنگ در شکل‌دهی جامعه: اعتقادات مسیحی، اتحاد مذهبی و احساس تعلق جمعی در حصار مذهبی کلیسا"، بر اساس داده‌های طرح پیمایش زندگی حصار کلیسا در ایالات متحده (USCLS) به این نتیجه رسیده است که حس تعلق به‌گروه در بین افراد با سطح بالای اعتقادات مسیحی بیشتر از افراد دارای سطح کمتر اعتقادات مسیحی بود.

دیدگاه‌های نظری

فردریش ویلهلم هگل فردگرایی شدید را لحظه انحلال یک قوم و زندگانی آن می‌داند (تیلور، ۱۳۷۹: ۱۷۴)؛ بنابراین سعی دارد تا فرایندی را ترسیم کند که طی آن جزئیت و کلیت به هم پیوند می‌خورند. او معتقد است در صورتی که چنین نشود مسئله از خودبستگی (تناقض هنجارها یا غایت‌ها با پراتیک‌ها) برای فرد به وجود می‌آید (همان: ۱۷۲). در شرایط از خودبستگی ممکن است افراد روی به جامعه و شرایط دیگری بنمایند که پراتیک خود را با هنجارهای آن منطبق دریاوند یا فردباوری به‌وجود آید. مبتنی بر نظریه هگل، شکاف عمیق میان آرمان‌های کلان اجتماعی و ارزش‌های رایج در زندگی روزمره افراد می‌تواند منجر به از خودبستگی و کاهش احساس تعلق اجتماعی شود؛ بنابراین سیاست‌های آرمان‌گرایانه غیرواقعی در سطح کلان از طریق کاهش اعتماد نهادی و غلبه فردگرایی خودخواهانه بر سطح تعلق اجتماعی تأثیر منفی خواهد داشت؛ جامعه مطلوب جامعه‌ای است که در آن به‌روزی افراد، پیوند عمیق با امر عمومی داشته باشد و در دولت محقق گردد. (هگل، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

در نظر او جامعه مدنی جایی است که در آن ذهن فرد ساخته می‌شود و افراد به‌مرور همکاری را به خاطر نفس همکاری نه به‌خاطر فایده‌اش برای افراد ارج می‌نهد (پلامناتز، ۱۳۹۲: ۲۱۰). همچنین در رسیدن به این هماهنگی تربیت اصیل افراد (آموزش) مهم و کارساز است (هگل، ۱۳۹۴: ۲۴۰). وی تربیت اصیل را به عبارتی هماهنگ شدن ویژگی (فرد) با کلیت (جامعه) می‌داند؛ تعهد و احساس وفاداری فرد به جامعه در صورتی تقویت خواهد شد که اهداف کلی و اهداف فردی مغایرت اساسی نداشته باشند و منطبق باهم قرار گیرند و از سوی دیگر فرد در گروه‌های واسط مانند تشکل صنفی، پیروی از جامعه را عملاً بیاموزد و علاوه بر آن تربیت به‌درستی انجام شود؛ بنابراین نحوه هدف‌گذاری نهادهای اجتماعی و اعتماد به نهادها عنصر برجسته در تقویت تعلق اجتماعی است.

الکسی دو توکویل به مسئله احساس تعلق اجتماعی از زاویه جامعه مدنی و فعالیت انجمن‌های مستقل پرداخته است. تنها در صورت آزادی عمل این‌گونه انجمن‌ها و از طریق مشارکت، حس تعلق

اجتماعی افزایش می‌یابد. به این وسیله مردم احساس می‌کنند که در قدرت شریک هستند و احساس دل‌بستگی و وفاداری آن‌ها عمیق‌تر می‌شود. وی معتقد بود پیامدهای نادرست فردگرایی افراطی را بایستی از طریق آنچه او " نفع شخصی به‌درستی درک شده" می‌نامد تعدیل کرد (کویستو، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

وطن‌پرستی از روحيات و عناصری است که به نظر توکویل حائز اهمیت است، در این جا سه حالت قابل تمیز است: وطن‌پرستی احساسی که با احساسات مذهبی درآمیخته و نیرویی عظیم و درعین حال زودگذر و موقتی به‌وجود می‌آورد. قسم دیگر وطن‌پرستی بر اساس منطق است که شدت و هیجان آن کمتر است ولی آثار پر دوام و مفیدتری دارد. این نوع وطن‌پرستی زمانی شکل می‌گیرد که منافع فرد و رفاه و آسایش آن توسط اجتماع تأمین و فرد نتیجه همراهی با جمع را به‌صورت ملموس در زندگی خود حس می‌کند؛ اما گاهی اوقات مردم یک جامعه ممکن است وطن‌پرستی احساسی را از دست داده باشد و وطن‌پرستی معقول و منطقی را نیز کسب نکرده باشند. در این شرایط مردم علائق و اعتماد خود را به دین، وطن، رسوم گذشته و قوانینی که نقشی در تدوین آن نداشته‌اند از دست می‌دهند. بدین‌سان برزخ وطن‌پرستی پدید می‌آید (توکویل، ۱۳۹۳: ۳۲۶-۳۲۴). توکویل محور جامعه و احساس تعلق را یک موافقت حسی و غریزی می‌داند که تا حدودی غیرارادی است و مولود اشتراک احساسات و عقاید است (همان: ۵۲۲)؛ بنابراین مقوله‌های خردگرایی، باورهای مشترک در نظریه او موجب افزایش تعلق اجتماعی و فعال‌گرایی مؤلفه تعلق به‌کل است.

فردینان دو تونیس^۱ با تیپ‌سازی جوامع به گماینشافت (اجتماع) و گزلفاشت (جامعه)، دو نوع احساس وفاداری به‌کل را شرح داده است. در گماینشافت، احساس تعلق اجتماعی بر پایه احساس اشتراک^۲ است. فرد احساس عاطفی با جامعه برقرار می‌سازد و بر اساس این احساس عاطفی به "ما" بودن تعهد عمیق‌تری پیدا می‌کند تا فردیت. این نوع حس وفاداری، حس وفاداری غیرمشروط است. فرد بدون هیچ قید و شرطی و در شرایطی که ممکن است تمتع اندکی از جامعه داشته باشد وفاداری و حس تعلق خود را حفظ و تقویت می‌کند؛ اما در گزلفاشت حس وفاداری از نوع "وفاداری مشروط"^۳ و به‌جای حس "ما" حس "من" غلبه دارد. تعهد عقلانی و محاسبه‌شده است و احساس وفاداری به خردگرایی پیوند دارد. فرد به جامعه احساس تعلق دارد به‌شرط آنکه جامعه و نهادهای آن بتوانند نیازهایش را برطرف نمایند. فرد و اهداف فردی مهم و جامعه و نهادهای آن در خدمت فرد قرار می‌گیرند. (شارون، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۳).

1. Ferdinand toennies
2. Feeling of community
3. Conditional loyalty

امیل دورکیم در دو تحقیق؛ تقسیم‌کار اجتماعی (۱۳۹۲) و خودکشی (۱۳۷۸) با پرداختن به مسئله همبستگی اجتماعی^۱ در جوامع متکثر فردگرای مدرن، دغدغه تعلق به کل را مطرح ساخته است. از نظر او ضرورت شکل‌گیری وجدان اخلاقی؛ در جامعه ارگانیکی نیز همچون جامعه با انسجام مکانیکی نمایان است (۱۳۹۲: ۳۵۲). دورکیم مهم‌ترین عامل تعلق اجتماعی در هر دو جامعه را پیوندهای اخلاقی می‌داند. "می‌توان گفت امر اخلاقی امری است که سرچشمه همبستگی است، ... اخلاق، برعکس، بیشتر عبارت است از آگاهی به حالت وابستگی. وظیفه اساسی اخلاق این است که فرد را جزوی از کل کند" (پیشین: ۳۵۳). او همبستگی ناشی از تقسیم‌کار را به دلیل نیاز مشاغل به یکدیگر نمی‌داند بلکه به خاطر شکل‌گیری الگوی اخلاقی حرف و تخصص‌ها می‌داند (پیشین: ۳۹۵). وی در ادامه سنت هگلی یکی از راه‌های مهم پیوند خوردن فرد و اجتماع را تشکل صنفی می‌داند. این نهاد مهم در تبدیل من فردی به من اجتماعی نقش مهمی به عهده دارد. در آن افراد می‌آموزند که فردگرایی خود را به جمع‌گرایی پیوند بزنند و انسجام اجتماعی تحقق می‌یابد (دورکیم، ۱۳۹۱: ۱۰۳). دورکیم در کتاب صور بنیانی حیات دینی (۱۳۹۳) نشان داده است دین یکی از مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی و احساس تعلق به دیگران است. برگر (۱۹۶۷) ایده دورکیم را با استفاده از "سایبان مقدس"^۲ مفهوم‌سازی کرده است. تعامل در گروه‌های کوچک‌تر سبب حفظ جهان‌بینی‌های سنتی خواهد شد. همین‌طور اسمیت و همکاران (۱۹۹۵) با استفاده از مفهوم "چتر مقدس"^۳ استدلال کرده‌اند که افراد در ساختارهای کوچک‌تر، می‌توانند دنیای سنتی را در جوامع بسیار متنوع حفظ کنند. (استروپ، ۲۰۱۱: ۵۷۲). نتیجه آن که دورکیم افزایش تعلق اجتماعی را از طریق اخلاق مشترک و تقویت وجدان جمعی میسر می‌داند که از طریق کنترل دولت و دیگر به واسطه عضویت فرد در گروه‌های دومین طبیعی پایدار (شوراهای استانی یا شهرستانی و دوّم انجمن‌های صنفی) تقویت می‌شود.

جوئل شارون (۱۳۸۵) بجز فرایند اجتماعی شدن، نقش شعایر و پافشاری بر ارزش‌های جامعه از طریق برخورد با کج‌روی، یکی از مهم‌ترین علل تقویت احساس وفاداری را کارکرد صحیح نهادها می‌داند. دولت بایستی اهداف را مشخص و افراد را در مورد صحیح بودن آن‌ها مجاب کند. اقتصاد، اشتغال و درآمدزایی ایجاد کند؛ دادگاه‌ها کیفر عادلانه دهند، مذهب و خانواده معنا و امنیت فراهم کنند و به‌طور کلی نهادهای مسئول به‌مسائل و مشکلات به نحو احسن رسیدگی کنند تا تعلق اجتماعی به‌ویژه در جوامع مدرن رشد کند (ص: ۹۶-۹۵).

1. Social solidarity
2. sacred canopy
3. sacred umbrellas

مک میلان و چپویس^۱ چهار عنصر یا مرحله را در شکل‌گیری احساس به جامعه^۲ مشخص کرده‌اند: ۱- عضویت ۲- نفوذ فرد در گروه و نفوذ گروه بر فرد ۳- مدد‌رسانی به یکدیگر و تقویت شدن فرد به‌واسطه برآورده سازی نیازها^۳ در گروه و ۴- وابستگی احساسی مشترک^۴ اعضای گروه (۱۹۸۶: ۹). آن‌ها معتقدند این چهار عنصر حس "ما" بودن و تعلق اجتماعی را در سطح خرد، میانه و کلان تقویت می‌کند. ارتباط احساسی مشترک در اثر روابط متقابل بیشتر، تجربه‌های مثبت بیشتر، موفقیت در حل مسائل، انجام سرمایه‌گذاری در جامعه، احترام یا تحقیر اعضای جامعه و داشتن پیوندهای معنوی که معمولاً در اثر مذهب مشترک به وجود می‌آید؛ موجب همبستگی بیشتر و احساس تعلق اجتماعی قوی‌تر خواهد بود (همان: ۱۳ - ۱۴).

گابریل پولینی در تعریف تعلق اجتماعی می‌گوید "حالتی که در آن هر فرد به‌واسطه نقشی که ایفا می‌کند خود را عضوی از جمع اجتماعی^۵ معرفی می‌کند که بنا به ایده ماکس وبر به‌طور انحصاری گماینشافت و مطابق ایده پارسونز، گماینشافت، سازمان و انجمن نامیده می‌شود. از منظر این چارچوب فکری ابعاد تعلق اجتماعی با هر شکلی از جمع اجتماعی مرتبط می‌شود؛ خواه عمدتاً حکایت از کنش غیر عقلایی در اصطلاح وبری داشته باشد و خواه عمدتاً سودمند یا ابزاری معرفی شود" (پولینی، ۲۰۰۵: ۴۹۸).

ساختار تعلق اجتماعی از چهار مؤلفه: علاقه، وفاداری، همبستگی و احساس نزدیکی یا احساس ما بودن تشکیل می‌شود. تعلق اجتماعی از روابط متقابل به‌هم‌پیوسته این اجزاء به‌وجود می‌آید. همچنین چهار خرده نظام متعامل مهم در این بحث دخیل‌اند: خرده نظام زیست‌محیطی شامل موقعیت سرزمینی و تعاملات زیست‌محیطی، خرده نظام روانی که هویت را در بردارد، خرده نظام اجتماعی تولیدکننده همبستگی و خرده نظام فرهنگی شامل نمادهای شفاف و ارزیابانه^۶ (پولینی، ۲۰۰۰: ۲۶۳۳-۲۶۳۲). از نظر وی احساس تعلق به‌جامعه از طریق دو فرایند عضویت و مشارکت شکل می‌گیرد. "درحالی‌که عضویت و شمول فرایندی است که هدفش حرکت از سمت گروه به سمت فرد است، اما مشارکت، فرایندی است که جهت حرکتش از سمت فرد به سمت گروه است" (پیشین: ۲۶۳۵).

1. McMillan and Chavis
2. Sense of community
3. Integration and fulfillment of needs
4. Shared emotional connection
5. social collectivity
6. Expressive and evaluative symbolism

جفری الکساندر ضرورت تقویت عرصه مدنی^۱ را به عنوان نوشداروی حل تناقض جزئیت و کلیت و ارتقاء سطح تعلق اجتماعی برجسته ساخته است (۲۰۰۶). او به عنوان جامعه‌شناسی فرهنگی به نقش معناها در زندگی اهمیت می‌دهد (۲۰۰۳) و عرصه مدنی را شیوه‌های تعاملی خاص و تاریخی همچون تمدن، نقدگری و احترام متقابل می‌داند (۲۰۰۶: ۳۱). به این قرار جامعه مدنی الکساندر از طریق قواعد فرهنگی^۲ تقویت می‌شود که در انگیزه‌ها، روابط کنش‌گران و نهادها قابل مشاهده است. در بعد انگیزه‌ها^۳ که از همه مهم‌تر است تقویت جامعه مدنی مستلزم وجود کنش‌گرانی فعال، مستقل، عقلانی، مستدل و خردمند، آرام، واقع‌گرا، دارای عقل سلیم^۴ است. چنین کنش‌گرانی قادر به ایجاد روابط اجتماعی صریح، معتمدانه، درستکارانه، صادقانه، دوستانه، توأم با مشورت^۵ و نقدگرایانه خواهند بود. کنش‌گران با انگیزه‌های مدنی و روابط مدنی، نهادهای مدنی قاعده‌مندانه، برابری طلبانه، قانون‌گرا، فراگیر و غیرشخصی را می‌سازند (پیشین: ۵۹-۵۳).

مستند به این مقدمات و همچنین عملکرد نهادهای خاص، غایت و آرمان جامعه مدنی یعنی همبستگی پایدار در جوامع متکثر امروزی شکل می‌گیرد. در شرایط ترسیمی الکساندر جامعه متکثر به‌گونه‌ای همبسته می‌شود که برون گروه‌ها^۶ لازم نیست به شیوه همانندسازی^۷ فرهنگی یا ادغام پیوندی^۸ در جامعه پذیرفته شوند بلکه مدل چند فرهنگ‌گرایی^۹ یا ادغام چند فرهنگی ترویج و همبستگی و تعلق اجتماعی پایدار و عمیق به وجود می‌آید. چنانچه ملاحظه می‌شود درحالی‌که دورکیم به عنوان یک جامعه‌شناس ساختاری به تأثیر ساختارها اولویت می‌داد؛ الکساندر از کنش‌گر اجتماعی آغاز می‌کند؛ کنش‌گران با انگیزه‌های مدنی، روابط و نهادهای اخلاقی می‌سازند و تعلق اجتماعی رشد می‌کند.

چارچوب نظری

مبتنی بر پیشینه تجربی و نظریه‌های مرور شده، وضعیت ابعاد تعلق به جامعه ایران (تعلق عاطفی/ تعلق عملی) را می‌توان با متغیرهای اعتماد اجتماعی (اعتماد نهادی/ اعتماد عمومی)، تعلق دینی و خردگرایی توضیح داد. در حالتی که به واسطه رشد سطح تحصیلی، وفاداری مشروط، رو به

1. Civil sphere
2. Cultural code
3. motive
4. Sane
5. deliberation
6. Out group
7. Assimilation
8. Hyphenated
9. The multicultural made of incorporation

فرونی است شرط بنیادین رشد تعلق اجتماعی - حداقل برای برخی از گروه‌ها- رضایت از کارکرد مناسب نهادها در پاسخ‌گویی به آمال فردی و اعتماد به نهادهای مجری و سیاست‌گذار است. همین‌طور طبق توضیحات مک میلان و چویس و الکساندر در صورت گسترش فرهنگ مدنی، اخلاق اجتماعی و اعتماد عمومی افزایش یافته و با گسترش تعاملات مبتنی بر اعتماد، افراد بیشتری احساس عضویت در جامعه و داشتن نفوذ خواهند داشت و احساس تعلق در آن‌ها رشد خواهد کرد. متغیر مؤثر دیگر استنباط شده از آرای هگل، توکویل، تونیس و الکساندر رشد خردگرایی و عقلانیت نظری است. به میزانی که کنش‌گران اجتماعی، تربیت یافته، فرهیخته و عقلانی باشند (به گفته توکویل درک عمیق‌تری از نفع شخصی داشته باشند)؛ احساس تعلق عقلایی پایدارتری شکل می‌گیرد. رشد عقلانیت درک ژرف‌تری از رابطه فرد و جامعه و منافع خاص و عام و پیوند آن‌ها شکل می‌دهد و زمینه‌های فعال شدن فرد در عرصه عمومی را به‌دنبال دارد. عقلانیت همبستگی و تعلق اجتماعی مستمر را در پی می‌آورد نه همبستگی مبتنی بر ضرورت.

عامل مؤثر دیگر، به‌ویژه در جامعه ایرانی، سطح و میزان احساس تعلق به‌دین و ارزش‌های مذهبی است. گستردگی و تا حدودی عام بودن شعائر دینی می‌تواند احساس تعلق اجتماعی را تقویت کند. نهاد دین به‌مثابه تولیدکننده و ترویج‌دهنده هنجارها، ارزش‌ها، نمادها و گفتمان‌های جمعی مشترک به‌عنوان چتر یا سایبان مقدس در مؤمنان تقویت‌کننده تعلق اجتماعی، حتی به‌صورت غیر مشروط است. خاصه آن‌که در حال حاضر هم‌پوشانی نهادهای دینی و سیاسی در گفتمان‌های رسمی این فرضیه را قدرت می‌بخشد که با تقویت حس تعلق دینی، اعتماد نهادی افزایش یابد و از این طریق تعلق اجتماعی نیز در مؤمنان تقویت شود. این پیوندهای ایدئولوژیک نسبتاً قوی و پایدار در معتقدین سبب می‌شود کاستی‌های کارکردی نهادها قابل اغماض شود. مبتنی بر نظریه‌های بحث شده متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و تاهل به دلیل تعمیق در احساس عضویت و سرمایه‌گذاری فرد می‌تواند احساس تعلق را افزایش دهد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین تعلق اجتماعی و خردگرایی رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین تعلق اجتماعی و تعلق دینی رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین تعلق اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، تاهل، تحصیلات) رابطه معنادار وجود دارد.

تعریف مفاهیم

تعلق اجتماعی: تعلق اجتماعی در این مقاله عبارت است از دل‌بستگی‌های مبتنی بر احساسات، عواطف و خرد به جامعه، آن‌گونه که فرد خود را بخشی از یک "کل" تلقی کند و علاقه‌مند باشد تا آگاهانه و داوطلبانه از بخشی از منافع فردی‌اش برای حفظ حیات و نظم جامعه چشم‌پوشی، در امور عمومی مشارکت و در مواقع خطر از تمامیت آن دفاع نماید. حس تعلق اجتماعی بر اثر عضویت، نقش‌پذیری، کنش متقابل نمادین مستمر، شکل‌گیری نظام نیازها، ایجاد نظام ارزشی مشترک و کمینه‌ای از توافقاتها در طول زمان به وجود می‌آید. همچنین اتصال و پیوندهای هویتی فرد با یک جامعه از طریق نسل‌های گذشته برای مهاجرین و نسل‌های آن‌ها احساس تعلق ایجاد می‌کند.

با توجه به تعریف پولینی (۲۰۰۵، ۲۰۰۰) از تعلق و دو فرایند آن و تعریف مقاله حاضر، می‌توان دو بعد اساسی ۱- عاطفی - ذهنی و ۲- عملی (مشارکت) را در نظر گرفت.

بعد عاطفی تعلق اجتماعی حالتی است که در آن فرد، احساس مثبت و مطبوع نسبت به جامعه دارد این حس موجب ابراز علاقه و وفاداری به جامعه می‌شود و همبستگی احساسی با دیگر اعضای جامعه را در پی دارد. کنشگر اجتماعی در این حالت از عضویت در جامعه احساس مطلوب دارد و حاضر به ترک جامعه نیست. بعد عاطفی سازنده بخش مهمی از هویت فرد و او را از غیر عضو متمایز می‌سازد.

تعلق عملی یا بعد عینی تعلق اجتماعی مربوط به کنش انضمامی یا تمایل به رفتاری است که فرد در موقعیت‌های خاص در رابطه با "کل" دارد. یکی از مهم‌ترین صور تعلق عملی تمایل به فعال بودن در امور جامعه و مشارکت و درگیر شدن در حل مسائل جامعه به‌انحاء مختلف است. این وجه، حکایت از تعهد عملی به جامعه و همکاری با جامعه دارد.

خردگرایی: عقلانیت^۱ در جامعه‌شناسی به‌ویژه در اندیشه وبر، وینچ، مک اینتایر و هابرماس برجسته‌سازی شد. عقلانیت در ابعاد عقلانیت صوری، عقلانیت ارزشی، عقلانیت عملی، عقلانیت نظری و عقلانیت ارتباطی به‌کاربرده شده است (هابرماس، ۱۳۹۴).

در روانشناسی مفهوم خرد^۲ در دو پارادایم کلی دسته‌بندی می‌شود. پارادایم اول بر توصیف ساختار و ویژگی‌های دانش و تفکر مرتبط با خرد، تمرکز دارد که آن را رویکرد فرایندمدار، شناختی یا دانش‌محور می‌نامند. پارادایم دوم، متمرکز بر صفات و ویژگی‌های افراد خردمند است و به آن رویکرد بروندادمدار و شخصیتی اطلاق می‌شود. در پارادایم اول مکتب برلین^۳ و در رویکرد شخصیتی، مدل وبستر^۴ از مطرح‌ترین مدل‌ها هستند (چراغی، ۱۳۹۴: ۴۸ - ۴۹).

1. Rationality
2. wisdom
3. The berlin wisdom paradigm
4. Webster's Model

این دو رویکرد علیرغم داشتن تفاوت‌های مبنایی، در پرداختن به مؤلفه‌های خرد دارای مشابهت‌هایی هستند. مرور و تأمل^۱ و نسبی‌گرایی ارزش‌ها در دو مدل تا حدودی همپوشانی دارند. مبتنی بر بحث‌های عقلانیت نظری در جامعه‌شناسی و خرد در پژوهش‌های روانشناسی، در این مقاله دو بعد ۱- تأمل‌گری به معنای واکاوی مسائل و راه‌حل آن‌ها و پرهیز از تقلید گرایی و ریشه‌یابی امور و بازاندیشی و ۲- درک و احترام به تفاوت‌های فردی به‌عنوان اجزای سازنده خردمندی در نظر گرفته شده است. این دو بعد از ابعاد همپوشان دو پارادایم مفهوم‌سازی خرد در روانشناسی و دربرگیرنده مؤلفه‌های تعریف عقلانیت نظری در جامعه‌شناسی است.

تعلق دینی: تعلق دینی، میزان علاقه، دل‌بستگی و وفاداری به یک دین یا مذهب و میزان باور به کارآمدی و مفید بودن آموزه‌ها، ارزش‌ها و باورهای آن دین در کمک به حل مسائل مادی یا فرامادی است. تعلق دینی الزاماً با التزام به اجرای مناسک دینی یا داشتن تجربه‌های دینی و به سخن کوتاه دین‌داری مترادف نیست؛ هرچند تعلق دینی ممکن است با ابعاد دین‌داری، همبستگی قوی داشته باشد.

اعتماد اجتماعی: "اعتماد اجتماعی انتظارات مناسب از کنش‌های دیگر افراد است که تعهدی نسبت به انتخاب کنش‌هایشان دارند، وقتی قبل از انتخاب کنش بتوانند کنش‌های دیگران را کنترل و نظارت کنند" (داسکویتا، ۱۹۸۸: ۵۱ به نقل از زومکا، ۱۳۸۷: ۵۱). در این تعریف اعتماد به معنای انتظار تعهد داشتن از دیگران است به‌گونه‌ای که آینده قابل پیش‌بینی و غیر مخاطره‌آمیز و امید به کنش با دیگران تقویت و فاصله بین افراد کاهش یابد. با این رویکرد در این نوشتار اعتماد اجتماعی شامل اعتماد نهادی و اعتماد عمومی، قابل‌اتکا و اطمینان دانستن افراد (غریبه‌ها)، گروه‌ها، سازمان‌ها و اجزای دولت در برقراری کنش متقابل و انتظار عمل از آن‌ها بر مبنای نقش‌های محول و در چارچوب نظم اخلاقی است.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی^۲ (SES): پایگاه طبقاتی به دو شکل عینی و ذهنی سنجیده می‌شود. در سنجش ذهنی، نکته مهم این است که فرد در نظام قشربندی اقتصادی-اجتماعی چه جایگاهی را برای خود یا برای دیگران تصور می‌کند. اریک اولین رایت^۳ (۲۰۰۵) در تعریف این دیدگاه می‌گوید: "طبقات، گروه‌های اجتماعی هستند که مردم در یک نظام قشربندی اقتصادی، به‌طور ذهنی به آن‌ها ویژگی‌های مشترک برجسته‌ای می‌دهند و از آن برای رتبه‌بندی آن گروه‌ها استفاده می‌کنند" (ص: ۷۱۷).

1. Reminiscence and reflectiveness
2. social economic status
3. Erik Olin Wright

روش تحقیق

روش تحقیق پیمایش و جامعه آماری افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله دارای ملیت ایرانی، ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. حجم نمونه برابر فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حداکثر واریانس و دقت احتمالی مطلوب ۰/۰۵، ۳۸۴ نفر محاسبه شد که به منظور افزایش دقت در زیرگروه‌ها ۱۲۰۰ نفر با توزیع متناسب طبقه‌ای (منطقه شهرداری و جنس) هدف قرار گرفت و در اجرا، ۱۰۱۶ پرسشنامه صحیح به دست آمد. به منظور استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به چهار بخش شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غربی و جنوب شرقی تقسیم و از هر یک از بخش‌های چهارگانه، دو منطقه شهرداری به‌عقدقرعه انتخاب، سپس از هر منطقه یک ناحیه و از هر ناحیه یک محله و از هر محله یک خیابان انتخاب شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت است. داده‌ها در مهر، آبان و آذر سال ۱۳۹۶ جمع‌آوری شد. به منظور افزایش اعتبار محتوایی سازه‌ها، پرسش‌نامه توسط متخصصان و همکاران در دانشگاه ارزیابی و داوری شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک تحلیل عاملی و روش استخراج "حداقل مربعات ناموزون" و روش چرخش واریماکس و ملاک کایزر (KMO) استفاده شد تا تک عاملی بودن^۱ سازه‌ها آزمون شود. بارهای عاملی گویه‌ها با این فرض که نباید از ۰/۳۰ کمتر باشد (دوس، ۱۳۷۶:۳۴۴) وضعیت مناسب را نشان داد. این روش در رابطه با دو بعد متغیر تعلق اجتماعی، انجام و تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که گویه‌ها دو بعد تعلق را ساخته‌اند. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفا در سازه بعد تعلق عاطفی ۰/۷۲۷، بعد تعلق عملی ۰/۷۳۹، مجموع گویه‌های دو بعد تعلق اجتماعی ۰/۷۳۵، بعد خردگرایی ۰/۷۹۰، اعتماد اجتماعی ۰/۸۷۵، تعلق دینی ۰/۸۵۷ و پایگاه اقتصادی-اجتماعی ۰/۷۹۲ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

تعریف عملیاتی متغیرها

تعلق اجتماعی: با انتخاب ۱۲ گویه (برای هر بعد ۶ گویه) با شاخص‌های تمایل به مهاجرت، علاقه به خلق و خوی ایرانی‌ها، امکان رسیدن به اهداف و آرزوهای فردی، ترجیح منافع جامعه، احساس تعلق و دل‌بستگی به جامعه، باور به تأثیر در اصلاح ابعاد مختلف جامعه، اولویت دادن به حل مشکلات عمومی سنجیده شده است.

خردگرایی: با ۱۲ گویه برای دو بعد بازاندیشی و نسبی‌نگری (هر بعد ۶ گویه) سنجش شده است که تمایل فرد به استفاده از روش‌های جدید در حل مسائل، انتقاد گری و انتقادپذیری، فکر کردن به

ریشه مسائل، پرهیز از عادات و تقلید، اعتقاد به تفاوت‌های فردی در ابعاد مختلف زندگی سنجش شده است.

اعتماد اجتماعی: با انتخاب ۱۴ گویه برای دو بعد اعتماد عمومی یعنی اظهارنظر در خصوص صداقت، خودکنترلی در احساسات و پایبندی به‌قرار، نوع‌دوستی، انصاف داشتن، خوش‌طینتی و امانت داری و اعتماد نهادی یعنی اعتماد در هفت حوزه؛ دولت، قوه قضاییه، مجلس، شهرداری، صداوسیما، پلیس، نمایندگان مجلس و سیاسیون موردسنجش قرار گرفته است.

تعلق دینی: سازه تعلق مذهبی شامل هفت گویه است که نگرش و احساس فرد را در مورد دین می‌سنجد.

پایگاه اقتصادی اجتماعی: با رویکرد سنجش ذهنی و با الهام از مقیاس نبوی و دیگران (۱۳۸۷) و اضافه کردن دو گویه جدید و حذف دو گویه از مقیاس مذکور، با مقیاسی دارای ۶ گویه در طیف لیکرت عملیاتی شده است. مؤلفه‌های تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی شامل: ذهنیت پاسخگو در خصوص درآمد، تحصیلات، محل سکونت، سبک زندگی، شغل و طبقه اقتصادی خود یا سرپرست خانوار است.

متغیرهای جنس و وضعیت تأهل به‌منظور استفاده به‌عنوان متغیرهای تصنعی در مدل رگرسیونی (سرای، ۱۳۶۶: ۱۴۵) به‌صورت ۰ و ۱ کدگذاری شد. متغیر سن در سطح سنجش نسبی به دست آمد.

یافته‌ها

(۱) توصیف داده‌ها

از نظر ویژگی‌های جمعیتی ۴۱٫۹ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۵۰٫۹ درصد زن هستند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۹ سال، کمترین سن ۱۸ و بیشترین سن ۶۵ سال است. از نظر سطح تحصیلی ۵۳٫۷ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس؛ ۳۴٫۴ درصد دیپلم (پیش‌دانشگاهی) و پایین‌تر و ۱۱٫۸ درصد بالاتر از لیسانس بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل ۲۲٫۹ درصد مجرد و ۷۷٫۱ درصد متأهل‌اند. از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی (سنجش ذهنی)، ۵۴/۵ درصد پاسخ‌گویان (بیشترین فراوانی) خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند؛ و پس‌از آن رتبه پایین با ۳۸/۵ درصد قرار دارد.

جدول شماره ۱ شاخص‌های آماری متغیرهای وابسته و مستقل برحسب میانگین

متغیر	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه	میانگین	خطای معیار	انحراف استاندارد	واریانس	چولگی	کشیدگی
تعلق عاطفی	۴،۰۰	۱،۰۰	۵،۰۰	۳،۱۲	۰،۰۲۴۱۶	۰،۷۷۰	۰،۵۹۳	-۰،۱۷۴	-۰،۱۹۵
تعلق عملی	۴،۰۰	۱،۰۰	۵،۰۰	۲،۹۸	۰،۰۲۳۷۳	۰،۷۵۶	۰،۵۷۲	-۰،۱۸۱	-۰،۲۰۶

تحلیلی بر احساس تعلق مردم به جامعه در حال تغییر ایران و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)

متغیر	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه	میانگین	خطای معیار	انحراف استاندارد	واریانس	چولگی	کشیدگی
تعلق اجتماعی	۳,۶۷	۱,۰۰	۴,۶۷	۳,۰۵	۰,۰۱۸۵۰	۰,۵۸۹	۰,۳۴۸	-۰,۱۸۰	۰,۱۸۸
بازاندیشی	۴,۰۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۲,۹۳	۰,۰۲۱۵۲	۰,۶۸۵	۰,۴۷۱	-۰,۰۵۳	-۰,۰۲۵
نسبی گرایی	۴,۰۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۳,۰۱	۰,۰۲۴۳۶	۰,۷۷۶	۰,۶۰۳	-۰,۰۵۵	-۰,۲۵۱
خردگرایی	۳,۷۵	۱,۰۰	۴,۷۵	۲,۹۷	۰,۰۱۹۹۸	۰,۶۳۶	۰,۴۰۶	-۰,۰۸۱	۰,۰۲۲۱
اعتماد عمومی	۴,۰۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۳,۲۵	۰,۰۲۶۰۳	۰,۸۲۹	۰,۶۸۹	۰,۳۳۲	-۰,۴۰۹
اعتماد نهادی	۴,۰۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۲,۵۵	۰,۰۲۶۸۵	۰,۸۵۵	۰,۷۳۲	۰,۰۸۵	-۰,۲۷۹
اعتماد اجتماعی	۳,۸۵	۱,۰۸	۴,۹۲	۳,۱۲	۰,۰۲۲۲۷	۰,۷۹۹	۰,۵۰۴	۰,۱۶۱	-۰,۰۷۳
تعلق دینی	۳,۸۵	۱,۰۸	۴,۹۲	۳,۱۲	۰,۰۲۲۲۷	۰,۷۰۹	۰,۵۰۴	۰,۱۶۱	-۰,۰۷۳

N=۱۰۱۶

جدول شماره ۱ داده‌های آماری متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد. کمترین میانگین مربوط به اعتماد نهادی و در سطح پایین است اعتماد تعلق اجتماعی نیز در سطح متوسط است. تعلق عاطفی در سطح متوسط و تعلق عملی در سطح پایین ارزیابی می‌شود. اندازه چولگی و کشیدگی در متغیر وابسته در دامنه ۲- تا ۲+ قرار دارد که نشان از نرمال بودن توزیع است.

۲) آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۲ ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای وابسته و مستقل

تعلق عاطفی	بازاندیشی		نسبی گرایی		خردگرایی		تعلق دینی	
	ضریب	sig	ضریب	sig	ضریب	sig	ضریب	sig
تعلق عاطفی	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰
تعلق عملی	۰/۴۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۵۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
تعلق اجتماعی	۰/۱۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۶	۰/۴۱۵	۰/۰۸۸	۰/۰۰۵	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰
تعلق عاطفی	اعتماد عمومی		اعتماد نهادی		اعتماد اجتماعی		پایگاه اق-اج	
	ضریب	sig	ضریب	sig	ضریب	sig	ضریب	sig
تعلق عاطفی	۰/۲۸۲	۰/۰۰۰	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰
تعلق عملی	-۰/۰۰۴	۰/۸۸۷	۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	۰/۰۰۴
تعلق اجتماعی	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۱۵۳	۰/۰۰۰

N=۱۰۱۶

جدول شماره ۲ به‌طور خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۴ را مشخص می‌سازد. چنانچه داده‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد متغیر تعلق اجتماعی و متغیرهای خردگرایی، تعلق دینی، اعتماد اجتماعی، همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. قوی‌ترین رابطه با تعلق دینی برقرار است (۰/۴۱۲) و کمترین رابطه مربوط به خردگرایی است. در رابطه با فرضیه اول می‌توان گفت گرچه رابطه خردگرایی با تعلق اجتماعی در سطح ضعیف است اما این موضوع به دلیل الگوی تأثیر متضاد خردگرایی بر دو جنبه تعلق عاطفی و تعلق عملی است. خردگرایی بر تعلق عاطفی تأثیر منفی دارد؛ یعنی با افزایش سطح خردگرایی تعلق عاطفی به جامعه کاهش یافته است. درحالی‌که این متغیر بر جنبه تعلق عملی تأثیر مثبت دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از آن است که اعتماد نهادی در مقایسه با اعتماد عمومی رابطه شدیدتری (قوی‌تر) با تعلق اجتماعی دارد. این حکم در خصوص رابطه تعلق عاطفی با اعتماد نهادی نیز صادق است. اما در رابطه با تعلق عملی (متغیر وابسته)، اعتماد عمومی با این متغیر فاقد رابطه معنادار است درحالی‌که با اعتماد نهادی رابطه مثبت تأیید شده است. بررسی نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از آن است که سطح تعلق دینی بر سطح تعلق اجتماعی تأثیر مثبت دارد. این رابطه در خصوص بُعد تعلق عاطفی شدیدتر از تعلق عملی است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی در سطح سنجش فاصله‌ای رابطه مثبت معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد را نشان می‌دهد. رابطه این متغیر با بُعد تعلق عاطفی شدیدتر است. سن نیز (متغیر نسبی) رابطه مثبت معنادار با الگوی مشابه با ابعاد متغیر وابسته دارد.

جدول شماره ۳ ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای وابسته و متغیرهای زمینه‌ای

تحصیلات	وضعیت تأهل		جنس		سن			
	ضریب	sig	ضریب	sig	ضریب	sig		
	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰	۰/۲۸۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۰	تعلق عاطفی
	۰/۱۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	۰/۶۵۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۷۱	تعلق عملی
	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱	۰/۶۸۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	تعلق اجتماعی
								تعداد

تعداد (n) به ترتیب برای متغیرهای: سن ۱۰۰۵، جنس ۱۰۱۱، تحصیلات، ۱۰۰۷ نفر است.

جدول شماره ۳ نتایج آزمون فرضیه پنجم را منعکس ساخته است. اما جنس که به‌صورت یک متغیر تصنعی در داده‌ها وارد شد رابطه معنادار با تعلق اجتماعی ندارد. دیگر متغیر زمینه‌ای یعنی وضعیت تأهل، رابطه مثبت با تعلق اجتماعی دارد. از آن‌جاکه کد ۱ برای افراد متأهل تعریف شده است و کد صفر برای مجردها بنابراین رابطه به نفع افراد متأهل است. به‌این معنی که افراد متأهل

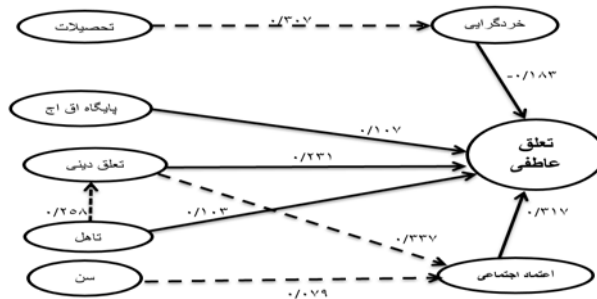
تعلق اجتماعی بالاتری دارند. چنانچه دی. ای. دؤس بیان می‌کند الگوی رابطه در متغیرهای دوشقی مانند جنس و تأهل با روش‌های مختلف آماری تقریباً یکسان است (۱۳۷۶: ۴۱۲-۴۱۱). تحصیلات نیز به صورت متغیر فاصله‌ای رابطه‌ای با الگوی متفاوت را با ابعاد تعلق اجتماعی نشان می‌دهد. تحصیلات رابطه‌ای منفی با تعلق عاطفی دارد در حالی که رابطه آن با تعلق عملی مثبت است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلی تعلق عاطفی کاهش ولی تعلق عملی افزایش می‌یابد. شدت رابطه در دو بُعد چندان متفاوت نیست.

۳) مدل تحلیل مسیر (مقایسه دو مدل)

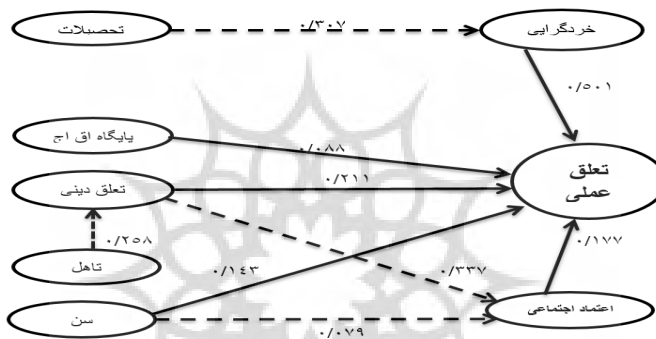
پیش از اجرای مدل، آزمون‌های هم خطی VIF و Tolerance اجرا و از آن‌جا که اندازه‌های به دست آمده برای VIF کمتر از ۱۰ و اندازه‌های شاخص Tolerance بیشتر از ۰/۱ بود؛ شرط هم خطی به عنوان پیش شرط اجرای رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر تأیید شد. ضمناً متغیر وضعیت تأهل به صورت متغیر تصنعی با کد ۰ و ۱ در مدل رگرسیونی قرار گرفت (سرای، ۱۳۶۹: ۱۴۶، دوس، ۱۳۷۶: ۲۳۴). متغیر سن در سطح سنجش نسبی در مدل قرار گرفت. در این مقاله متغیرهای زمینه‌ای به عنوان متغیر مستقل و نه کنترل وارد تحقیق شده‌اند. مقایسه دو مدل مربوط به ابعاد عاطفی و عملی تعلق اجتماعی تفاوت در تأثیر متغیرهای مستقل را بر دو بُعد بیشتر نمایان می‌سازد. متغیر تعلق دینی به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر بیشتری بر بُعد عاطفی تعلق دارد. در مورد اعتماد اجتماعی که صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر دارد نیز همین الگو با شدت بیشتری صدق می‌کند. اما تأثیر متغیر خردگرایی، تفاوت معکوس بر دو بُعد متغیر وابسته دارد. چنانچه میزان ضریب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خردگرایی در بُعد عاطفی ۰/۱۸۳- است، در مدل مربوط به بُعد عملی تأثیر ۰/۵۰۱ است.

متغیر سطح تحصیلی نیز همین شرایط را دارد؛ یعنی بر بُعد عاطفی، تأثیر منفی و بر بُعد عملی تأثیر مثبت دارد. البته تأثیر سطح تحصیلی، تأثیر غیرمستقیم در مدل رگرسیونی است و اثر آن از طریق خردگرایی اعمال می‌شود. متغیر سن نیز تأثیر دوگانه در دو مدل دارد. سن در مدل تعلق عملی اثر مستقیم و غیرمستقیم به میزان ۰/۱۵۴ دارد در صورتی که اثر آن در مدل تعلق عاطفی صرفاً به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیر در اعتماد اجتماعی بسیار اندک است (۰/۰۲۵). متغیر مستقل وضعیت تأهل در صورتی که در مدل تعلق عاطفی به صورت مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار است (مجموعاً ۰/۱۶۶) در مدل تعلق عملی صرفاً به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر تعلق دینی، اثر ضعیف دارد (۰/۰۵۷). در مدل تعلق عاطفی به ترتیب تعلق دینی، اعتماد اجتماعی، خردگرایی، تأهل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بیشترین ضریب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم را دارند. در مدل تعلق عملی، خردگرایی، تعلق دینی، اعتماد اجتماعی، سن و تحصیلات به ترتیب بیشترین

ضریب تأثیر رادارند. ضریب همبستگی چندگانه در هر دو مدل ۰/۵۷ و معنادار است. ضریب تبیین تعدیل‌شده نیز در دو مدل تقریباً یکسان است.



مدل شماره ۱ تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر بعد تعلق عاطفی



مدل شماره ۲ تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر بعد تعلق عملی

جدول شماره ۴ اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر تعلق اجتماعی به تفکیک ابعاد

	تعلق عاطفی			تعلق عملی		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل	مستقیم	غیرمستقیم	کل
تعلق دینی	۰/۲۳۱	۰/۱۰۷	۰/۳۳۸	۰/۲۱۱	۰/۰۶	۰/۲۷۱
اعتماد اجتماعی	۰/۳۱۷	-	۰/۳۱۷	۰/۱۷۷	-	۰/۱۷۷
خردگرایی	-۰/۱۸۳	-	-۰/۱۸۳	۰/۵۰۱	-	۰/۵۰۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۱۰۷	-	۰/۱۰۷	۰/۰۸۸	-	۰/۰۸۸
تحصیلات	-	-۰/۰۵۶	-۰/۰۵۶	-	۰/۱۵۴	۰/۱۵۴
سن	-	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	-	۰/۰۱۱	۰/۱۵۴

تعلق عملی			تعلق عاطفی			
کل	غیرمستقیم	مستقیم	کل	غیرمستقیم	مستقیم	
۰/۰۵۷	۰/۰۵۷	-	۰/۱۶۶	۰/۰۶۳	۰/۱۰۳	وضعیت تأهل
	۰/۵۷۰			۰/۵۷۳		ضریب همبستگی چندگانه
	۰/۳۲۵			۰/۳۲۸		ضریب تعیین
	۰/۳۲۱			۰/۳۲۵		ضریب تعیین تعدیل شده

نتیجه‌گیری و راه‌کارها

یافته‌های آماری، نشان داد سطح تعلق به جامعه در مجموع دو بُعد در سطح متوسط قرار دارد. لیکن تعلق عملی در سطح پایین ارزیابی شد. نتیجه این تحقیق تا حدودی مشابه با یافته‌های تحقیق بیدل و محمود زاده (۱۳۹۱) در شهر مشهد است که سطح تعلق اجتماعی را به میزان ۲/۷ از ۵ اعلام کرده‌اند. به نظر می‌رسد تراکم مسائل اجتماعی در سال‌های اخیر و چشمگیر نبودن عملکرد نهادها در رفع و کاهش مسائل زندگی روزمره، رشد انتظارات فزاینده از دولت و حکومت، تعارضات جناح‌های سیاسی و گسترش فساد اداری، میزان اعتماد به ساختارهای اجتماعی را کاهش و در پی آن احساس تعلق اجتماعی از سطح مطلوب فاصله گرفته است.

همچنین از بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته مشخص شد که جهت‌گیری اعضای جامعه در خصوص ابعاد تعلق عاطفی و تعلق عملی در طبقات و گروه‌های اجتماعی از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند. در جامعه ایران با لحاظ کردن سابقه تاریخی و فرهنگی، تعلق دینی را می‌توان به‌عنوان یک متغیر مهم در فرایندهای مربوط به پدیده‌های اجتماعی در نظر گرفت. باورها، ارزش و مناسک دینی با ایجاد همدلی و به‌اصطلاح "چتر مقدس" همگرایی و احساس عاطفی جمعی در گروه‌هایی از مردم تولید کرده است؛ همین‌طور به دلیل فراگیر بودن نهاد دین در ایران حال حاضر، سطح تعلق دینی توانسته است بخشی از تغییرات مربوط به تعلق اجتماعی به‌ویژه در بعد تعلق عاطفی را تبیین کند. مضافاً آن‌که یافته‌ها نشان داد که تعلق دینی تأثیر قابل‌تأملی بر اعتماد نهادی دارد (۰/۴۳). اصولاً افراد با تعلق دینی، بیش از دیگران به نهادهای سیاسی و اجرایی ابراز اعتماد کرده‌اند. بخشی از این رابطه، به‌دلیل تطابق فرهنگی و انطباق عقیدتی تولیدشده به‌واسطه گفتمان رسمی است. نتیجه با یافته‌های پژوهش لیم و پوتنام (۲۰۱۰) مشابهت دارد. این محققان نشان داده‌اند که افراد مذهبی به خاطر حضور متداوم در مراسم و گردهمایی‌های مذهبی تشکیل یک شبکه اجتماعی داده که حس تعلق اجتماعی را در آن‌ها بالا برده است.

تأثیر دوگانه خرد بر ابعاد تعلق اجتماعی حائز اهمیت است. در شرایطی که خردگرایی با بعد تعلق عاطفی، رابطه معکوس دارد با بعد تعلق عملی رابطه مستقیم شدید دارد. به سخن دقیق‌تر گروه‌های اجتماعی خردگراتر تمایل بیشتری برای درگیر شدن در مسائل عمومی و فعال‌گرایی دارند. درحالی‌که تعلق دینی تأثیر بیشتری بر تعلق عاطفی دارد تا تعلق عملی. این نکته برابر نظریه‌های تونیس و توکویل تمایز تعلق احساسی و عقلانی را بیان می‌کند. افراد خردگرا و عقلایی درحالی‌که توجه کمتری به بعد عاطفی تعلق دارند و احتمالاً نگاه انتقادی دارند؛ توجه بیشتری به انجام اصلاحات نشان می‌دهند. مطابق تقسیم‌بندی مرتون، کنش‌گران ممکن است در یکی از چهار تیپ مشارکت، یعنی: مشارکت گسترده^۱، مشارکت مبنی بر تصمیم‌گیری فنی^۲ مشارکت اصلاح‌طلبانه^۳ و مشارکت انقلابی^۴ قرار گیرند (به نقل از پولینی، ۲۰۰۰: ۲۶۳۶) که با توجه به گویه‌های سازه تعلق عملی، می‌توان استنباط فوق (دیدگاه اصلاح طلبانه) را تأیید کرد.

در خصوص اعتماد اجتماعی یافته‌های تحقیق، دیدگاه مطرح‌شده در چارچوب نظری را تأیید می‌کند. با افزایش اعتماد اجتماعی میزان رضایتمندی افزایش یافته و تعلق اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و اعتماد نهادی سهم بیشتری نسبت به اعتماد عمومی دارد؛ اما سطح ضعیف اعتماد نهادی محل تأمل است.

با افزایش تحصیلات نیز تمایل به فعال بودن و تعلق عملی بیشتر می‌شود. این گروه با قدرت تجزیه و تحلیل بیشتر و استقلال فکری بالاتر، انتظارات ارضاء نشده بیشتری دارند و تعلق عاطفی آن‌ها کم‌تر است؛ اما با افزایش سن و تغییر وضعیت تأهل (متأهل بودن) تعلق اجتماعی تا حدودی افزایش می‌یابد. افزایش سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی نیز تأثیر مثبت دارد. افراد با افزایش سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متأهل شدن تعامل بیشتری با اجزاء جامعه برقرار نموده و نقش‌پذیری و نفوذ بیشتری دارند و رضایت آن‌ها از دستاوردهای اجتماعی بیشتر می‌شود و احساس دل‌بستگی و وفاداری و همبستگی بیشتری با جامعه خواهند داشت.

سخن‌نمایی آن‌که حل مسائل اجتماعی حال حاضر، نیازمند افزایش سطح تعلق به جامعه و اولویت دادن به آن است. تعلق اجتماعی در ایران به‌واسطه دو عامل اصلی (با توجه به یافته‌های تحقیق) قابل تقویت است جنبه نخست اعتقادات و ارزش‌ها و مناسک دینی است؛ اما با توجه به تغییرات فرهنگی سریع و تأمل‌گرایی و تکثرگرایی پدید آمده در فهم و تفسیر معرفت دینی و همین‌طور حضور اقلیت‌های دینی در ایران، برجسته‌سازی ارزش‌های مشترک بین ادیان و نحله‌های فکری

1. Diffuse participation
2. technical decision-making participation
3. reformatory participation
4. Revolutionary participation

و ترویج مدارا و پرهیز از افراط‌گرایی در افزایش تعلق اجتماعی تأثیرگذار است. چنانچه مک میلان و چیوس شرح داده‌اند احساس عضویت یکی از اجزای تعلق اجتماعی است و بنا بر نظر الکساندر به میزانی که فرهنگ مدنی گسترش یابد و تحمل تفاوت‌های فرهنگی افزایش داشته باشد (مدل چند فرهنگ‌گرایی) افراد بیشتری شمول جامعه و احساس عضویت و نفوذ خواهند داشت و همین نکته احساس تعلق را افزایش می‌دهد؛ بنابراین لازم است با اتخاذ سیاست‌های مناسب و برجسته‌سازی نمادها و ارزش‌های فرا گروهی، شرایط واقعی احساس عضویت اقلیت‌ها و برون گروه‌ها و زمینه مشارکت آن‌ها فراهم آید.

جنبه دیگر توجه به قواعد فرهنگ مدنی ارائه‌شده از سوی الکساندر است. تعلق اجتماعی در اثر تقویت انگیزه‌های مدنی در کنش‌گران اجتماعی سبب افزایش سطح نظم اخلاقی در روابط اجتماعی و نهایتاً اعتماد عمومی شده و از طریق استحکام‌بخشی به پیوندهای اجتماعی، تعلق اجتماعی را افزایش می‌دهد. توجه به تربیت مدنی و افزایش سطح تحصیلات مدنی در مراکز آموزشی مؤثر است. توسعه جامعه مدنی و نهادهای مردمی غیردولتی در گسترش تعلق اجتماعی مؤثر است.

اما جنبه دیگر، عملکرد و کارکرد نهادهای اجتماعی در برآورده کردن نیازهای فردی و ایجاد امید و نظم اجتماعی است. نزدیکی و تطابق اهداف فردی و کلان در این زمینه مؤثر و سبب افزایش سطح تعلق اجتماعی است. تمایل به فردگرایی بیشتر به معنی استقلال فردی و پیش بردن اهداف و آمال فردی شده که ویژگی جوامع صنعتی و در حال توسعه است و افزایش خردگرایی در اثر گسترش آموزش عالی حکایت از آن دارد که تعلق اجتماعی بیشتر به صورت وفاداری و تعلق مشروط ظاهر می‌شود و این نکته توجه به اهمیت کارکرد نهادها و سازمان‌ها، کنش عقلایی آن‌ها و تقویت جنبه‌های عقلانی اهداف کلان را برجسته می‌سازد. به گفته کلاس اوفه (۱۳۸۹) چهار شاخص حقیقت‌گویی، وفای به عهد داشتن، عملکرد منصفانه و بی‌طرفانه، توانایی در جبران دست‌کم برخی نابرابری‌های اجتماعی در نهادها اعتماد را افزایش می‌دهد (ص: ۲۵۵)؛ بنابراین تقویت این ویژگی‌ها در نهادها ضرورت دارد. هم‌زمان، برنامه‌ریزی فرهنگی مستمر برای تعلیم واقع‌گرایی و معقول شدن انتظارات متناسب ظرفیت‌ها، در کاهش احساس محرومیت و افزایش رضایتمندی از نهادها و افزایش احساس تعلق اجتماعی لازم است؛ چراکه برخورداری صرف چنانچه توأم با آموزش خودکنترلی و تعدیل درخواست‌ها در فرایند اجتماعی شدن نباشد؛ الزاماً منجر به افزایش سطح تعلق نخواهد شد.

مفهوم حس تعلق اجتماعی همچون برخی دیگر از مفاهیم جامعه‌شناختی مفهومی پیچیده و چندبعدی است و اجزاء، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطالعه آن بسیار گسترده به نظر می‌رسد؛ همچنین فرایند اثرگذاری آن بر روندها و پدیده‌های اجتماعی نیاز به مطالعه بیشتر دارد. لذا پیشنهاد دیگر، اجرای پژوهش‌های بیشتر در بررسی مفهوم تعلق اجتماعی و سنجش منظم و دوره‌ای آن در سطح ملی است.

منابع

- اوفه، کلاس (۱۳۸۹)، "چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت"، در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، تهران: شیرازه.
- بهشتی، صمد و حق مرادی، محمد (۱۳۹۶)، "احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۶۷: ۲۵-۴۰.
- بیدل، پریناز و محمود زاده، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، "بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد"، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۲: ۳۱-۶۳.
- پلامناتز، جان (۱۳۹۲)، *شرح و نقدی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- تیلور، چارلز (۱۳۷۹)، *هگل و جامعه مدرن*، ترجمه منوچهر حقیقی راد، تهران: نشر مرکز.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن*، تهران: نشر علم.
- چراغی، فرشته و دیگران (۱۳۹۴)، "مفهوم خرد بر پایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی"، *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، شماره ۳: ۴۲-۵۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۹۳)، *تحلیل دموکراسی در امریکا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۲)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۱)، *درس‌های جامعه‌شناسی، فیزیک اخلاقیات و حقوق*، ترجمه جمال‌الدین موسوی، تهران: نشر نی.
- دوس، دی‌ای (۱۳۷۶)، *روشن پیمایش در تحقیق اجتماعی*، ترجمه مریم رفعت، تهران: مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی.
- رضایی، محمد (۱۳۹۴)، *شکاف‌های جامعه ایرانی*، تهران: انتشارات آگاه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، *آنا‌تومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رینتز، جورج (۱۳۸۲)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- زومکا، پیوتر (۱۳۸۷)، *اعتماد نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.

- سرای، حسن (۱۳۶۶)، *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (جلد اول)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شارون، جوئل (۱۳۸۵)، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مسعود (۱۳۹۴)، *ما ایرانیان (زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی)*، تهران: نشر نی.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۵)، *در پیرامون خودمداری ایرانیان*، تهران: نشر اختران.
- قندچی تهرانی، داود (۱۳۷۹)، *اقتدارگرایی رساله‌ای درباره فردیت*، تهران: نشر همراه.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰)، *ایران، جامعه کوتاه‌مدت*، مترجم عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۸)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مبارکی، محمد و صلاحی، سمیه (۱۳۹۱)، "کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی"، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۵۰، ۲۷۵ - ۳۱۵.
- مک اینتایر، السدیر (۱۳۹۶)، *در پی فضیلت (تحقیقی در نظریه اخلاقی)*، ترجمه حمید شهریاری و محمد شمالی، تهران: انتشارات سمت.
- نبوی، عبدالحسین و حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر (۱۳۸۷)، "بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی"، *فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۳۹، ۳۸-۷.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴)، *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.
- هگل، فردریش (۱۳۹۳)، *اصول فلسفه حق*، ترجمه مهید ایرانی طالب، تهران: انتشارات قطره.
- Alexander, Jeffrey C (2003), *The Meanings of Social Life: A Cultural Sociology*. New York: Oxford University Press.
- Alexander, Jeffrey C (2006), *The Civil Sphere*. New York: Oxford University Press.
- Baumeister, Roy F. & Leary, Mark R (1995), The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachments as a Fundamental Human Motivation, *Psychological Bulletin*, Vol. 117, No. 3, 497-529
- Laczko, Leslie S (2005) National and Local Attachments in a Changing World System: Evidence from an International Survey, *International Review of Sociology*, Volume 15, Issue ۳, Pages, 517-528.
- Lim, Chaeyoon, & Putnam, Robert.D. (2010). Religion, Social Networks, and Life Satisfaction, *American Sociological Review*, Volume 75, issue 6, pages: 914-933.
- McMillan, David W & Chavis, David M (1986), Sense of community: A definition and theory, *Journal of Community Psychology*, vol.14, Pages: 6-23.
- Pollini, Gabriele (2000), 'Social belonging', in *Encyclopedia of Sociology*, eds E. F. Borgatta & R. J. V. Montgomery, Macmillan, New York, Pages: 2630-2637.

- Pollini, Gabriele (2005), Elements of a Theory of Place Attachment and SocioTerritorial Belonging, *International Review of Sociology*: 15:3, 497-515.
- Wright, Erik Olin, (2005), 'social class' in *Encyclopedia of Social Theory* (Two Volume Set): Ritzer, G. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. Pages:717-723.
- Stroope, Samuel (2011), How Culture Shapes Community: Bible Belief, Theological Unity, and a Sense of Belonging in Religious Congregations, *The Sociological Quarterly*, 52:4, 568-592.
- Taylor, Charles (2007), *A Secular Age*, Cambridge, MA and London, Belknap Press of Harvard University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی